

تحریف پذیری و یا تحریف ناپذیری الفاظ قرآن و کتاب مقدس



مینا ششمی*

چکیده

یکی از مبانی مهم در تفسیر متون مقدس، توجه به این حقیقت است که متن مقدس درگذر تاریخ دچار تحریف شده است یا نه؟ به عبارت دیگر این متن تا چه اندازه از اعتبار برخوردار است؟ مفسران شیعی و اهل سنت در عنایت به این نکته اساسی در مباحث مقدماتی تفسیرشان، بحث سلامت قرآن از تحریف را مطرح کرده اند. در این مقاله، ضمن تعریف انواع تحریف، دلایل عدم تحریف قرآن از خود قرآن استفاده گردیده و آنگاه به دلایل عدم تحریف در نگاه روایات اشاره شده است. اما درباره کتاب مقدس باید گفت که بین مسلمانان و غیر مسلمانان اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی بر این باورند که در تورات و انجیل تحریف لفظی و معنوی به راحتی قابل مشاهده است، و عده ای دیگر قائل به تحریف معنوی در این دو کتاب هستند و برخی وجود تحریف را مطلقاً نمی پذیرند.

کلید واژه ها: متون مقدس، تحریف، مراد خداوند، ظواهر آیات، تفسیر.

مفهوم شناسی واژه «تحریف»

واژه تحریف از ریشه «حرف» به معنای کناره، گوشه و اطراف یک چیز گرفته شده

* .دکتر و استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز .

است. ^۱ تحریف عبارت است از مایل کردن، بردن به کنار و از جایگاه خود دور کردن و دگرگون ساختن. ^۲ و تحریف سخن به معنای متمایل ساختن معنای کلام از مقصود گوینده ^۳ و در نتیجه، ایجاد نوعی تغییر و دگرگونی است.

راغب در مفردات می نویسد: تحریف کلام، یعنی سخنی را که دو احتمال دارد تنها به یک احتمال حمل کنی، گرچه بر خلاف اراده و منظور صاحب سخن باشد. ^۴

انواع تحریف

در یک نگاه کلی، تحریف را می توان به دو نوع معنوی و لفظی تقسیم کرد:

الف: تحریف معنوی: منظور از تحریف معنوی آن است که با تفسیر نادرست، مفهوم اصلی و مقصود مورد نظر متکلم از مسیر صحیح خود خارج شده، و به مفهومی کشانده شود که در حاشیه معنای اصلی است. در حقیقت، تفسیر سخن بر خلاف مقصود حقیقی گوینده را تحریف معنوی گویند.

این نوع از تحریف درباره قرآن رخ داده است ^۵ و امام علی (ع) نیز از وقوع آن در زمان خود و آینده ^۶ و قرآن نیز از وقوع این نوع تحریف در کتاب های آسمانی گذشته گزارش داده اند. ^۷

ب) تحریف لفظی: تحریف لفظی، که تحریف در الفاظ و واژه هاست، با تبدیل و جایگزینی الفاظ یا مقدم و مؤخر کردن و یا کاهش و افزایش آنها تحقق می یابد.

رشید رضا می نویسد: منظور از تحریف لفظی، مقدم و مؤخر کردن لفظ یا تبدیل کلمه ای به کلمه دیگر یا مخفی نمودن آن و یا زیاد و کم کردن لفظ است. ^۸ علامه طباطبایی تحریف لفظی را، تغییر جایگاه الفاظ، یعنی مقدم و مؤخر کردن یا حذف و اضافه نمودن لفظ، می داند. ^۹ آنچه بیش تر مورد نزاع و اهتمام قرآن پژوهان است بررسی تحریف قرآن به معنای کاهش و نقصان در کلمات، آیات و حتی سوره هاست، چون تحریف به معنای افزایش آیه یا سوره ای در قرآن- به جز روایتی که به عبدالله بن مسعود نسبت می دهند و حکایت از آن دارد که سوره های حمد و معوذتین سوره های قرآنی نیستند- و تبدیل آیات به آیاتی دیگر، قائلی نداشته و موضوعاً منتفی است. تغییر در کلمات آیات نیز، تا آن جا که به اختلاف در تلفظ و ادای کلمه مربوط می شود، از مقوله اختلاف قرائات و از موضوع بحث بیرون است.

علامه طباطبایی در این باره می نویسد: هیچ گونه تحریف به زیاده و نقصان در قرآن

صورت نگرفته است. در آیات هر سوره نیز هیچ گونه جابه جایی که به اوصاف عام قرآن مانند ذکر بودن، اعجاز و هدایت بودن آن لطمه بزند، تحقق نیافته است. قرآن موجود تنها در ترتیب سوره ها و نیز در ترتیب برخی آیات، آن هم در حدی که هیچ تأثیری در مدلول آنها و نیز در اوصاف عام قرآن ندارد، با مصحف علی (ع) - که بر اساس ترتیب نزول سامان یافته - متفاوت است.^{۱۰}

در قرآن ماده «تحریف» جز در معنای لغوی؛ یعنی دخل و تصرف در معنای کلمه و تغییر غیر موجه آن، به کار نرفته است. به این نوع تحریف که فقط تحریف در معنای کلمات است، نه چیز دیگر، سوء تأویل و تفسیر به رأی می گویند.^{۱۱}

شیخ طوسی می گوید: تحریف به دو امر صورت گرفته، یکی سوء تأویل و دیگری تغییر و تبدیل؛ یعنی به شکلی لهجه کلام را تغییر می دادند که معنی دیگری از آن فهمیده شود؛^{۱۲} مانند: «و إنَّ منهم لفريقاً يلوون ألسنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب و ما هو من الكتاب و...» (آل عمران، ۷۸/۳)؛ و از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به [خواندن] کتاب [تحریف شده ای] می پیچانند، تا آن [بر بافته] را [از مطالب کتاب آسمانی] پندارید، با این که آن از کتاب [آسمانی] نیست.

بخش مهمی از تحریف، تأویل گفتار خداوند است که بر غیر آن معنایی که برایش وضع شده حمل شود. و از لفظ تحریف هم همین معنی متبادر می شود و همین تأویل سبب شد که یهودیان به مقابله با پیامبر (ص) و انکار نبوتش برخیزند و این شیوه همیشگی آنان تا امروز است که بشارات عهدین را تأویل می کنند.^{۱۳}

شکل های گوناگون تحریف لفظی

در این قسمت با ذکر صورت های مختلف تحریف - لفظی -، به تأثیر یا عدم تأثیرشان در فهم قرآن که محل نظر است، اشاره می شود.

تغییر و تحریف مربوط به الفاظ قرآن بر چهار شکل متصور است: ۱. تحریف در قرائت؛ ۲. تحریف به فزونی؛ ۳. تحریف به کاستی؛ ۴. تحریف در ترتیب.

۱. تحریف در قرائت: منظور از تحریف در قرائت آن است که قرائت برخی از الفاظ قرآن، از نظر حرکات و یا حروف بر خلاف قرائت معروف و مشهور باشد، و یا کلمه ای به لفظ مشابه آن تغییر یافته باشد، که ناشی از اجتهاد قراء در قرائت آنها بوده است. پس از آن که قرائت قرآن در زمان نزول واحد بود، در زمان صحابه و تابعین قرائت دیگری به نام

سبعه و... نیز رایج شد.

اختلاف قرائات در حروف کلمات؛ مثلاً در آیه «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنِیَابِ فَبِیْنُوهُ» (الحجرات، ۶/۴۹) که کسائی، «فَبِیْنُوهُ» خوانده است.^{۱۴} و یا در آیه «و یَکْفُرْ عَنْکُمْ» (البقره، ۲/۲۷۱) ابن عامر و حفص «یکفر» و دیگران «نکفر» خوانده اند.^{۱۵} اختلاف در حرکات؛ مانند «یطهرن» (البقره، ۲/۲۲۲) که «یطهْرُن» نیز قرائت شده است. اختلاف قرائات، در حد تفاوت در حروف و یا حرکات، اغلب به گونه ای است که یا هیچ تغییری در معنا ایجاد نمی کند. ولی در برخی موارد موجب تغییر معنا نیز می شود مانند یطهرن یا یطهْرُن.

در نتیجه این نوع تغییر در برخی موارد تغییر معنا را منجر می گردد و تأثیر آن در تفسیر قرآن در همین حد است. هر مفسری این قسم تغییر را بپذیرد، در مواردی در فهم آیه دچار مشکل خواهد شد.

۲. تحریف به فزونی: در این نوع از تحریف، به قرآن موجود، قسمت هایی، خواه کلمه یا آیه و یا سوره ای اضافه شده است. بنابراین قرآن رایج بین مسلمین دارای اضافاتی است که وحیانی نبوده و چه بسا شامل کلمات غیر الهی و غیر قرآنی است. تحریف به این معنی به اجماع مسلمانان باطل است، به بیان دیگر اندیشمندان مسلمان همگی راه یابی هرگونه گفتار غیر قرآنی را در مصحف کنونی مردود می دانند.

۳. تحریف به کاستی: یعنی بخشی از کلمات، آیات و سوره های قرآن، از آن حذف شده باشد. بنابراین قرآن رایج بین مسلمین، نسبت به وحی نازل شده بر پیامبر (ص)، کمتر باشد و مصحف موجود مشتمل بر همه قرآن نبوده و بسیاری از مفاهیم آن از بین رفته باشد. تحریفی که به شیعه نسبت داده می شود، همین قسم است که به شدت تمام مورد تکذیب علمای بزرگ و محققان شیعه است. گروهی از محدثان اخباری مسلک شیعه مانند محدث نوری و حشویه عام، این نوع تحریف را امری محقق می دانستند، لکن غیر از ایشان کسی قائل به تحریف نیست. قطعاً چنین تحریفی، تأثیر زیادی در فهم قرآن دارد که بحث در این زمینه را به مجال دیگری وا می گذاریم.

۴. تحریف در ترتیب: گونه دیگر تحریف لفظی، تغییر در نگارش قرآن از جهت ترتیب و تقدیم و تأخیر است، نه از جهت افزایش و یا کاهش الفاظ. اگر این نوع تحریف را به معنای مغایرت ترتیب مصاحف کنونی با ترتیب نزول قرآن بگیریم، قطعاً اتفاق افتاده است و البته بروز این نوع تغییرات به قرآنیته قرآن خللی وارد نمی سازد. اصولاً آیات و سوره ها

بر خلاف ترتیب نزول تنظیم شده و از این رو می بینیم در تفاسیر گفته می شود فلان سوره مدنی است جز آیات فلان و فلان. البته این مسأله در آیات بسیار کم است. این نوع تحریف از دایره بحث ما خارج است و کسی ادعا نکرده قرآن به همان ترتیبی که نازل شده در دست ماست، بلکه اساساً یکی از تفاوت های مصحف امیرالمؤمنین (ع) و مصاحف عثمانی همین اختلاف ترتیب است.

دلایل سلامت قرآن از تحریف

اندیشمندان مسلمان و قرآن پژوهان برای اثبات تحریف ناپذیری قرآن، به دلایل متعدد نقلی - آیات و احادیث معصومان (ع) -، عقلی، شواهد تاریخی و... استناد کرده اند.

۱. دلایل قرآنی: مهم ترین دلیل بر عدم تحریف قرآن، خود قرآن حکیم است. از جمله

آیاتی که به صراحت بر سلامت قرآن از تحریف دلالت می کنند عبارتند از:

الف: آیه حفظ: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر، ۹/۱۵). این آیه به صورت قطعی از نزول قرآن از سوی خداوند خبر می دهد. حفظ قرآن در این آیه به صورت مطلق و بدون هیچ قیدی بیان شده است. بنابراین شامل حفظ آن از هر نوع تحریفی (تغییر، اسقاط و...) می شود و این بهترین وجه حفظ قرآن است که از سوی خداوند متعال ضمانت قطعی یافته است.

علامه طباطبایی در این باره می نویسد: آیه [حفظ] دلالت بر این دارد که کتاب خدا از جهت ذکر بودن از جمیع اقسام تحریف - تحریف به زیاده، نقصان و تغییر و تبدیل - محفوظ است، پس قرآن ذکری زنده و جاودان و محفوظ از زوال و فراموشی و مصون از زیادتی که ذکر بودنش باطل شود و از نقصی که با آن اثرش را از دست دهد و از تغییر در صورت و سیاقش، به طوری که دیگر ذکر و مبین حقایق و معارفش نباشد، مصون است. ۱۶

آیه مذکور شامل چندین تأکید به قرار ذیل است: ۱. جمله اسمیه؛ ۲. چهار ضمیر در آن که همه به خدا برمی گردد؛ ۳. تکرار «ان»، تأکید ثقیله؛ ۴. اسمیه بودن خبر هر دو «ان»؛ ۵. در آمدن لام تأکید در خبر «ان» دوم؛ ۶. تقدیم مجرور بر متعلقش. وعده در آیه شریفه همانند دیگر وعده های الهی است. مانند: «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ... وَاللَّهُ يَعصمك من النَّاسِ» (المائدة، ۶۷/۵)؛ که خداوند وعده بر حفاظت پیامبر داده است - که خدا به آنها در حق پیامبر (ص) عمل نموده است. علاوه بر آن، عمل به این وعده در مورد صیانت قرآن، مقتضی قاعده «لطف» نیز هست، زیرا حکمت تکلیف بندگان، اقتضاء می کند که

قرآن سالم بوده و از هر تغییری مصون باشد.

ممکن است گفته شود که استدلال به این آیه صحیح نیست؛ زیرا ممکن است همین آیه خودش از موارد تحریف باشد، در نتیجه استدلال به آن موجب دور شود؛ و دور نیز باطل است.

در پاسخ این اشکال گفته شده که: اولاً: چنین شبهه‌ای برای کسی که معتقد به عترت و روایات ائمه طاهره(ع) باشد، بی اعتبار است، زیرا استدلال آنها بر کتاب و ارجاع اصحاب را به قرآن، دلیل بر عدم تحریف کل قرآن و به تبع آن، آیه مذکور است. و ثانیاً: تحریف به زیاده در مورد قرآن را، هیچ عالم مسلمانی، بیان نکرده و لذا آیات موجود قرآن بدون تردید نزد همه، معتبر بوده و آیه حفظ هم، قطعاً تحریف به زیاده نشده و همگان آن را جزء قرآن دانسته‌اند. بنابراین خود آیه دلیلی بر عدم تحریف به کاستی نیز در آن می باشد و دوری هم صورت نمی گیرد. ایراد و اشکالات دیگری از سوی مدعیان تحریف بر آیه «حفظ» گرفته شده است که در کتاب‌هایی همچون «البيان»^{۱۷} و «صيانة القرآن من التحريف»^{۱۸} آمده و مورد نقد نیز قرار گرفته است.

ب: آیه نفی باطل: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لِكِتَابٍ عَزِيزٍ * لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت، ۴۱/۴۱ و ۴۲)؛ و به راستی که آن کتاب ارجمند است. از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویی نمی آید، وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده [صفات].

بی شک مقصود از واژه «ذکر» و «کتاب» در این دو آیه، قرآن مجید است که به اوصاف «عزیز»، «لا یأتیه الباطل» و «تنزیل من حکیم حمید» توصیف شده است.

دو وصف اول هر کدام به طور مستقل دلالت بر عدم تحریف قرآن می کند و وصف سوم از منشأ و راز این حقیقت پرده برمی دارد؛ چون واژه «عزیز» به معنای شکست ناپذیر و غیر قابل نفوذ، و تحریف نوعی شکست و نفوذپذیری است. واژه «باطل» نیز به معنای نقیض حق، چیزی را گویند که ثبات ندارد و تباهی و فساد می پذیرد. و خداوند با عبارت «لا یأتیه الباطل» هر نوع تغییر و تبدیلی را در قرآن نفی می کند؛ زیرا با توجه به اعجاز قرآن - در محتوای غنی و معارف هماهنگ و بر حق قرآن که با نظم خاص در آیات یک سوره قرار دارد - هرگونه تغییر و تبدیلی، به محتوا و نظم و هماهنگی قرآن آسیب می رساند و آن را مصداق تباه شونده و فسادپذیر می گرداند، در حالی که این آیه با تعبیر «من بین یدیه و لا

من خلفه» به طور کلی در هر زمان و از هر جهت چنین امری را منتفی دانسته است.^{۱۹} در تفسیر المیزان درباره نحوه دلالت این آیه بر مصونیت قرآن چنین آمده است: این آیه در دلالت بر این که کتاب عزیز - شکست ناپذیر - قرآن همواره به حفظ خدایی محفوظ است، مانند دلالت آیه «نفی باطل» است. مراد از جمله «من بین یدیه و لا من خلفه» زمان نزول قرآن و عصرهای بعد از آن تا روز قیامت است و از اطلاق نفی در جمله «لا یأتیه الباطل» عمومیت استفاده می شود. بنابر این مضمون آیه این است که در بیانات قرآن، تناقض، و در خبرهایی که داده دروغ و در معارف، حکمت ها، شرایع و احکامش هیچ بطلانی نیست؛ نه مورد معارضه چیزی واقع می شود، و نه دستخوش دگرگونی می گردد. و ممکن نیست چیزی که از قرآن نیست به قرآن راه یابد، مثلاً آیاتش را تحریف کنند، و جای آنها را تغییر دهند و یا کم و زیاد کنند؛ بنابر این مفاد این آیه با آیه حفظ یکی است.^{۲۰} از مجموع تعابیر این دو آیه به دست می آید که صیانت قرآن از هر نوع تغییر و تحریفی به دلیل عزیز بودن و نفوذناپذیری و همچنین نگاهبانی خداوند، تضمین شده است. برخی از مفسران شیعه به این آیات در زمینه مصونیت قرآن از تحریف تمسک جسته اند.^{۲۱} در نظر برخی مفسران از آیات دیگری نیز می توان عدم تحریف قرآن را استنباط کرد.

ج: آیه رصد: «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه أحدًا* إلا من ارتضی من رسول فإنه یسلک من بین یدیه و من خلفه رصدًا* لیمعلم أن قد أبلغوا رسالات ربهم و أحاط بما لدیهم و أحصى کل شیء عددًا» (الجن، ۲۶/۷۲-۲۸)؛ دانای نهران است، و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند، جز پیامبری را که از او خشنود باشد، که برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت؛ تا معلوم بدارد که پیام های پروردگار خود را رسانیده اند؛ و [خدا] بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است.

جمله «فإنه یسلک من بین یدیه و من خلفه رصدًا» دلالت دارد بر اینکه وحی الهی از آن لحظه که از مصدر وحی صادر می شود تا زمانی که به مردم می رسد و همچنین در طریق نزولش تا وقتی که به دریافت کننده وحی برسد از هر دستبرد و تغییری مصون است، اما مصونیت آن از حین صدور تا وقتی که به رسول برسد، اگر هیچ دلیلی بجز جمله «من خلفه» بر آن نباشد همین جمله کافی است؛ و اما دلیل بر مصونیت وحی الهی هنگام دریافت آن از فرشته وحی به طوری که او را می شناسد و در گرفتن وحی اشتباه نمی کند و نیز مصونیت آن در حفظ وحی الهی به گونه ای که آن را چنان که وحی شده حفظ می کند، بدون آن که

دچار فراموشی شود یا آن را تغییر دهد یا تبدیل کند و مصونیت آن در رساندن به مردم از تصرف، دلیل این امور جمله «لیعلم أن قد أبلغوا رسالات ربهم» است.^{۲۲} با توجه به عبارت «من بین یدیه» به دست می آید که قرآن از مرحله دریافت تا ابلاغ آن به مردم توسط پیامبر در تمامی دوران و آینده تاریخ، تحت نظارت و مراقبت الهی بوده و هست و مصونیت آن از سوی خداوند متعال تضمین شده است.

د: آیه اطفاء نور الهی: «یریدون لیطفؤا نور اللّٰه بأفواههم و اللّٰه متمّ نوره ولو کره الکافرون» (الصف، ۸/۶۱)؛ می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آن که خدا گرچه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید.

از این آیه می توان برای اثبات پیراستگی قرآن از تحریف بهره گرفت زیرا خدای سبحان قرآن را «نور» معرفی کرده است؛ «قد جاء کم من اللّٰه نور و کتاب مبین» (المائد، ۵/۱۵)؛ و آیه مزبور از اراده بدخواهان نسبت به قرآن حکایت دارد و یکی از برجسته ترین نمونه اراده بدخواهان درباره نور، از بین بردن قرآن است که با شیوه های مختلف دنبال شده است، نابود کردن اساس قرآن و تحریف آن به منظور بر جای گذاشتن کتابی تحریف شده و نامعتبر، یکی از این شیوه هاست.

آنان همان گونه که به حضرت رسول (ص) پیشنهاد کردند که قرآن را تغییر دهد، خود نیز تلاش می کردند که قرآن را تغییر دهند یا با آوردن کتابی همانند با آن معارضه کنند و همه اینها مصداق اطفاء نور الهی است. بر اساس این آیه دشمنان قرآن می خواهند نور خدا را خاموش کنند، به خیال این که نور خدا به سان نور شمع است که با فوت دهان می توان آن را خاموش کرد.^{۲۳}

۲. دلایل روایی: بر عدم تحریف قرآن می توان به احادیث متعددی که از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) نقل شده است، استناد کرد. مهم ترین آن ها به قرار ذیل می باشد:

الف: احادیث ثقلین که تمسک به قرآن و عترت را واجب می دانند. در صورت تحریف، قرآن دیگر هادی نبوده و نمی توان به آن تمسک جست. اما طبق این احادیث، تمسک به قرآن تا ابد واجب و ضروری است.

علامه طباطبایی^(۵) در چگونگی اثبات عدم تحریف قرآن از طریق این روایات می نویسد: اخبار فراوانی که از پیامبر اکرم نقل شده که در هنگام بروز فتنه ها و حل مشکلات به قرآن مراجعه نمایند، و نیز حدیث ثقلین^{۲۴} که از طریق شیعه و اهل سنت به

تواتر به ما رسیده است و می فرماید: «من در میان شما دو چیز گران بها به جای می گذارم، کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم را؛ تا زمانی که به آن دو تمسک جویند، هرگز پس از من گمراه نخواهید شد...»؛ [این دو دسته از اخبار] دلیل بر عدم وقوع تحریف در قرآن است؛ [چرا که] امر به تمسک به کتابی تحریف شده و نفی گمراهی برای کسانی که بدان چنگ زنند، با یکدیگر سازگار نیستند. ۲۵

ب: روایات بسیاری از ائمه(ع) نقل شده که بر سلامت قرآن از تحریف تصریح داشته و یا به طور ضمنی به این موضوع اشاره می کنند، که به جهت رعایت اختصار، برخی از آن روایات متعدد ذکر می شود:

امام باقر(ع) در قسمتی از نامه ای به یکی از یاران خود چنین می فرماید: «... و کان من نبذهم الکتاب أن أقاموا حروفه و حرقوا حدوده»؛ ۲۶ از جمله بی اعتنایی آنان به قرآن این است که الفاظ قرآن را به پا داشتند، ولی حدود و معارف آن را تحریف کردند.

عبارت امام صراحت دارد که در الفاظ قرآن تحریفی صورت نگرفته، چون می فرماید: الفاظ قرآن را به پا داشتند. [کنایه از این که حفظ کردند] هرچند آنان احکام را تغییر دادند و دستوراتش را تباه ساختند. ۲۷

از امام صادق(ع) نقل شده است:

«ما بین الدفتین قرآن»؛ آنچه که بین دو جلد قرار دارد، قرآن است. ۲۸ [بدون کم و زیاده].

ج: روایاتی که قرآن را میزان سنجش اندیشه ها و احادیث معرفی کرده. ۲۹ و آنچه را با قرآن هماهنگی ندارد، مردود می شمرد. انسانی و مطالبات فریگی پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: «إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقِّ حَقِيقَةً وَ عَلَى كُلِّ صَوَابٍ نَوْرًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخَذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ». ۳۰ بر هر حقی حقیقتی است و بر هر امر استواری نوری است پس آنچه موافق کتاب خداست بگیریید و آنچه با کتاب خدا مخالف است، رها کنید.

۳. تواتر قرآن: یکی دیگر از دلایل مصونیت قرآن کریم از تحریف، تواتر آن از نسل های پیشین تا به امروز است. عموم مسلمانان و دانشمندان برجسته ایشان به وجود چنین تواتری - حداقل در متن قرآن - اعتقاد دارند. منظور از تحریف این است که در تمام اعصار و امصار توده انبوهی از مسلمانان بر حفظ و قرائت درست قرآن مداومت و نظارت داشته اند،

هر چند نام اشخاص در جایی ثبت نشود و از آن آگاه نباشیم.^{۳۱} مرحوم علامه، ضمن بیان دلیل «اوصاف قرآن» اشاره‌ای نیز به این دلیل دارد.^{۳۲} بسیاری از اندیشمندان شیعه و اهل سنت چنین دیدگاهی را در باره متن قرآن پذیرفته‌اند.^{۳۳}

۴. اعجاز قرآن: بدون تردید پیش از هر کس و هر زمان دیگر، قرآن در آیات متعددی از معجزه بودن خود سخن گفته است. به ویژه آن‌جا که با خطاب قرار دادن اعراب معاصر نزول، و در مرحله‌ای بالاتر همه انسان‌ها و در گامی فراتر از آن هم انسان‌ها و هم جنیان در همه اعصار، آنان را به هم‌آوردی و آوردن کتابی نظیر قرآن یا ده سوره یا حداقل یک سوره همسان با سوره‌های قرآن دعوت کرده است. و بیان می‌دارد که همانند آوری قرآن، برای احدی ممکن نبوده و نیست. تحدی قرآن حکایت از اعجاز قرآن دارد و ادعای هر گونه تحریف به فزونی و کاستی را در قرآن موجود منتفی می‌سازد. در صورت تحقق تحریف، تعدی و اعجاز قرآن مخدوش شده و در نتیجه قرآن را که اساسی‌ترین سند حجیت اسلام در عصر ماست، از اعتبار می‌اندازد، زیرا قرآن تنها معجزه زنده و جاوید اسلام است. به بیان دیگر، هر گونه تحریفی، نوعی اخلال در نظم و اسلوب ویژه و بلاغت قرآن وارد ساخته و آن را از مرتبه کلام الهی خارج می‌کند. در این صورت قرآن اعجاز بلاغی و لفظی خود را که همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است، از دست می‌دهد.

۵. دلایل تاریخی: تاریخ اسلامی و سیره عملی مسلمانان نشانگر عنایت ویژه امت بزرگ اسلام به قرآن است. آنان پیوسته قرآن را مقدس به شمار آورده، و نهایت دقت، احترام و تعظیم را در حق آن مبذول می‌داشتند. در جمع‌آوری، حفظ و ضبط قرائت و نگارش قرآن تلاش بی‌وقفه‌ای داشته و می‌کوشیدند تا قرآن دست نخورده باقی بماند و کوچک‌ترین تغییری در آن صورت نگیرد. بسیاری از صحابه وقتی آیات قرآن را از پیامبر (ص) می‌شنیدند آیات را به همان گونه که پیامبر (ص) برای ایشان قرائت کرده بود می‌خواندند، و عده‌ای از صحابه که سواد خواندن و نوشتن داشتند آیات را بر روی پوست، چوب، سنگ و... می‌نوشتند. این عنایت ویژه به قرآن کریم یکی از دلایل بطلان شبهه تحریف است.

۶. دلایل عقلی: عقل سلیم انسانی بدون شک، حکم به عدم هر گونه تغییر و تبدیل از ساحت مقدس قرآن می‌کند. در این دلیل با پیوند چند مقدمه به شرح زیر، سلامت قرآن از تحریف اثبات می‌شود:

الف: خداوند حکیم قرآن را برای هدایت بشر فرستاد. ب: این کتاب آخرین کتاب

آسمانی و آورنده آن نیز آخرین فرستاده خداست. ج: اگر این کتاب تحریف شده باشد، کتاب آسمانی دیگر و یا پیامبری دیگر راه درست را، به مردم نشان نخواهد داد و در این صورت مردم به بیراهه می‌روند، بدون آن که تقصیری متوجه آنان باشد. د: این گمراهی با ساحت اقدس پروردگار ناسازگار، و مخالف حکمت الهی در هدایت بشریت است.

نتیجه: پس قرآن باید از هر گونه، تغییر و تحریفی مصون باشد. ۳۴ اگر آیات الهی در زمان نزول و بعد از آن، دستخوش تحریف و تغییر شده باشد، در اعتبار قدسی و الهی آن تردید ایجاد می‌شود و ویژگی‌های سخن خداوندی را در بر نخواهد داشت، اما با توجه به دلایل گوناگون، صیانت و سلامت قرآن از تحریف و تغییر، تردید ناپذیر است و محققان بزرگ اسلامی بدان اذعان دارند. ۳۵

بنابر دلایل و شواهد فوق، عموم مسلمانان بر تحریف ناپذیری قرآن تأکید دارند. در کنار این تأکید، عده‌ای بر این باورند که قرآن تحریف شده است و دلایلی نیز بر مدعای خود ذکر نموده‌اند که بیشتر مبتنی بر روایات تحریف است. ۳۶ البته محققان مسلمان این مدعا را مورد نقد و بررسی قرار داده و آن را مردود شمرده‌اند. ۳۷ از آنجا که وظیفه این نوشتار تحلیل و بررسی این دلایل نیست از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

تحریف پذیری و یا تحریف ناپذیری الفاظ کتاب مقدس

همان‌طور که در بخش پیشین آمد، تحریف هم می‌تواند لفظی و هم می‌تواند معنوی باشد. اما اینکه کدام یک از این دو نوع تحریف در کتاب مقدس رخ داده باشد، بین مسلمانان و غیر مسلمانان اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی بر این باورند که در تورات و انجیل تحریف لفظی و معنوی به راحتی قابل مشاهده است، و عده‌ای دیگر قائل به تحریف معنوی در این دو کتاب هستند و برخی وجود تحریف را مطلقاً نمی‌پذیرند.

با توجه به ظاهر آیات قرآن می‌توان این را استفاده کرد که از این دو نوع تحریف، دست کم تحریف معنوی آن هم با انگیزه‌های مختلف از سوی یهودیان و مسیحیان در تورات و انجیل واقع شده است. ما در اینجا نمی‌خواهیم تحریف یا عدم تحریف کتاب مقدس را بررسی نماییم، اما برای روشن‌تر شدن بحث، لازم است بدانیم که دیدگاه مسلمانان و غیر مسلمانان (یهودیت - مسیحیت) درباره کتاب‌های تورات و انجیل چیست؟ به بیان دیگر، آیا اینها را کتاب‌هایی آسمانی می‌دانند که بر پیامبران خدا نازل شده‌اند؟

تورات و انجیل از نگاه قرآن

از نگاه مسلمانان، تورات و انجیل کتاب‌هایی هستند که بر حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) نازل شده است، همان طور که صحف بر حضرت ابراهیم (ع) و یا قرآن بر حضرت محمد (ص) نازل شده است. بر اساس ظاهر آیات متعددی از قرآن کریم، تورات و انجیل دو کتاب آسمانی هستند که از طریق وحی بر حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) نازل شده‌اند. در قرآن کریم دوازده بار از «انجیل» یاد شده است. قرآن تصریح می‌کند که «انجیل» وحی الهی است که خداوند بر حضرت عیسی (ع) نازل کرده است. ۳۸ این پیام وحیانی در شریعت عیسی (ع)، همان نقشی را دارد که تورات در شریعت موسی (ع) و قرآن در شریعت اسلام دارد، از این رو هشت بار انجیل به عنوان زوج تورات، ۳۹ و دو بار در کنار تورات و قرآن از آن یاد شده است. ۴۰

به طور کلی موارد کاربرد واژه «انجیل» در قرآن را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. مواردی که به انجیل اصلی اطلاق شده، و آن وحی ای است که بر عیسی (ع) نازل شده است. نظیر آن که می‌فرماید: «آئیناه الانجیل» (المائده، ۴۶/۵)؛ به او انجیل را اعطا کردیم.
۲. مواردی که به انجیل موجود در عصر نزول اطلاق شده است، مانند اشاره قرآن به وجود اوصاف پیامبر اسلام (ص) در تورات و انجیل، چنان که خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (الاعراف، ۱۵۷/۷)؛ همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد... و یا مانند آن که قرآن، مسیحیان را دعوت می‌کند که به اجرای آنچه خداوند در انجیل برای آنان نازل کرده، پردازند و مطابق احکام و مقررات انجیل داوری کنند. ۴۱

یهودیت و تورات

یهودیان بر این باورند که کتابی، به نام تورات بر حضرت موسی (ع) نازل شده است. اینان، تورات موجود را نوشته خود حضرت موسی (ع) می‌دانند. همچنین سایر کتاب‌های عهد عتیق به برخی از پیامبران منسوب شده است. اما برخی از جمله اسپینوزا با بررسی علمی و ذکر دلایل متعددی اثبات کرده است که تورات نمی‌تواند نوشته حضرت موسی (ع) باشد، بلکه توسط کسی که سال‌ها پس از وی می‌زیسته است، با استفاده از منابع مختلف

نوشته شده است. وی با اشاره به برخی عبارات تورات کنونی - نظیر خروج ۱۷: ۱۴ و اعداد ۲۱: ۱۴ - می گوید که حضرت موسی (ع) نوشته هایی داشته است. ولی تورات کنونی نمی تواند تألیف او باشد. ۴۲

توماس میشل می گوید:

در قدیم مردم معتقد بودند که موسی (ع) تورات را نوشته است. اما مطالعات جدید کتاب مقدس نشان می دهد که پاسخ به مسأله اصل و منشأ اسفار تورات از آنچه در ابتدا تصور می شود، دشوارتر است. تورات در طول نسل ها پدید آمده است: در ابتدا روایت هایی وجود داشت که قوم یهود آنها را به طور شفاهی به یکدیگر منتقل می کردند، سپس روایات مذکور در چند مجموعه نوشته شد که برخی از آنها در باب تاریخ بود و برخی در باب احکام. سرانجام در قرن پنجم قبل از میلاد این مجموعه ها در یک کتاب گرد آمد. کسانی که در این کار طولانی و پیچیده شرکت کردند، بسیار بودند و نام اکثریت قاطع آنها را تاریخ فراموش کرده است. به عقیده یهودیان و مسیحیان، الهام الهی در همه مراحل تألیف تورات، همراه و پشتیبان بوده است. متخصصان کتاب مقدس چهار منبع اساسی برای تورات قائلند: ۱. منبع الوهیمی (E)؛ ۲۴۳. منبع یهوهی (J)؛ ۳۴۴. منبع کاهنی (P)؛ ۴۴۵. منبع تثنیه (D) که منبعی ویژه است. ۴۷. در دو منبع نخست، نام خدا به ترتیب، به صورت «الوهیم» و «یهوه» آمده و به همین دلیل، این دو منبع به این نام ها نامیده شده اند. منبع کاهنی بر احکام کاهنان و معبد متمرکز است و منبع تثنیه ای منبع سفر «تثنیه» است.

مسیحیت و انجیل

این بحث درباره انجیل به شکل دیگری است. مسیحیان معتقد نیستند که حضرت عیسی (ع) کتابی داشته است و انجیل های چهارگانه را فقط بیانگر اقوال و افعال آن حضرت می دانند. توماس میشل در این باره می نویسد:

پیش از نوشته شدن اناجیل، یک سنت شفاهی وجود داشت. عیسی (ع) به عقیده مسیحیان در حدود سال ۳۰ وفات یافت و کسانی که از او پیروی کرده، وی را شناخته، کارهایش را دیده و سخنانش را شنیده بودند، خاطرات خویش از او را در حافظه نگه می داشتند. هنگامی که مسیحیان نخستین برای عبادت گرد می آمدند؛ آن خاطرات نقل می شد. اندک اندک این منقولات شکل مشخصی یافت و بر حجم آنها افزوده شد. ۴۸

بنابر این از نظر مسیحیان، حضرت عیسی (ع) «تجسم وحی الهی» است که نه حامل پیام، بلکه عین پیام بوده است. بدین علت، این اعتقاد که حضرت عیسی (ع) انجیل را نوشته و یا به پیروانش دیکته کرده باشد در میان آنها جایگاهی ندارد و به طور کلی انجیل را کتاب نازل شده نمی دانند تا سخن از تحریف آن به میان آید. مراد از انجیل در نظر مسیحیان ناظر بر دو امر باشد: اول: ماهیت انجیل. و دوم: اناجیل چهارگانه.

۱. ماهیت انجیل: «انجیل» در اصطلاح مسیحیان به معنای «بشارت» در مورد عیسی مسیح (ع) و رستگاری است که برای نوع بشر به ارمغان آورده است. ۴۹ و در نوشته های عهد جدید نیز نوعاً انجیل به عنوان بشارت رستگاری الهی است که عیسی (ع) به عنوان مسیح و نجات دهنده برای بشر آورده است.

۲. اناجیل چهارگانه: در قرن نخست میلادی بسیاری از یاران و شاگردان حضرت عیسی (ع) به نوشتن سخنان و رفتار آن حضرت اقدام کردند و نوشته هایی را ایجاد کردند که بعداً انجیل خوانده شد. به مرور زمان از میان این انجیل ها چهار تایی آنها به رسمیت شناخته شدند و اناجیل دیگر رد شدند.

مسیحیان نویسندگان کتب عهد جدید و از جمله چهار انجیل را پیامبر نمی دانند، اما معتقدند که همگی آنها در تمام آن چه نوشته اند، با الهام الهی عمل کرده اند. ۵۰ و این چیزی است که خود نویسندگان عهد جدید به آن تصریح کرده اند. ۵۱ نویسنده ای مسیحی می گوید: سرانجام جامعه مسیحیان با راهنمایی روح القدس از میان نوشته های مسیحی بی شمار به ۲۷ کتاب که انجیل های چهارگانه نیز جزو آنهاست، اقرار کرد و پذیرفت که آنها با الهام الهی نگارش یافته اند. ۵۲

موضوع قرآن درباره تحریف کتاب مقدس

قبل از بررسی این موضوع باید گفت که قرآن کریم کتاب مقدس را تصدیق کرده و مضامینی از آن را مورد تأیید قرار داده است. بسیاری از احکام موجود در قرآن در ابواب حقوقی و جزایی همان احکامی است که در تورات (سفر لایوان) هم بیان شده است. افزون بر آن برخی از آیات قرآن به احکام شریعت یهود اشاره دارد: و در تورات بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان، و چشم در برابر چشم، و بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش، و دندان در برابر دندان می باشد؛ و زخم ها نیز به همین ترتیب قصاص دارند. (المائدة، ۴۵/۵) این آیه به حکم موجود در سفر تثئیه اشاره دارد: و چشم تو رحم نکند جان به عوض جان و

چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان و دست به عوض دست و پا به عوض پا. ۵۳
تصدیق قرآن کریم نسبت به تورات و انجیل و کتب آسمانی پیش از خود به این
معناست که قرآن کریم وحی آن کتب را از جانب خدا و محتوای آن‌ها را مانند توحید، معاد
و... تصدیق می‌کند، نه این که قرآن کریم، تورات و انجیل و کتب آسمانی موجود را با همه
جزئیاتش تصدیق کرده باشد. ۵۴

با این وجود، در میان عامه مسلمانان معروف است که تورات و انجیل توسط اهل
کتاب تحریف شده‌اند، اما باید دید که قرآن در این رابطه چه می‌فرماید؟ قرآن تصدیق می‌کند
که در این تورات، حکم خدا هست و خود نیز تذکر می‌دهد که عده‌ای از یهودیان کلام
خدا را تحریف می‌کردند، ۵۵ از این‌ها به دست می‌آید توراتی که امروز در دستشان است
همانی است که در زمان پیامبر (ص) دست ایشان بوده و اما این که چه مقدار از تورات اصلی
را با خود دارد، محل تأمل است.

کتاب تورات نیز وضع مشابهی دارد. آسمانی بودن این کتاب مورد تردید برخی محققان
است: آیا آن «کتاب شریعت موسی» چه بوده است؟ این کتاب درست همان کتاب عهد، که
یوشیا پیش از آن بر مردم خوانده بود نیست. چه در کتاب عهد، تصریح شده است که آن را
در مدت یک روز دو بار بر یهودیان فرخواندند، در صورتی که خواندن کتاب دیگر، محتاج
یک هفته تمام وقت بود. ۵۶ در قرن ششم قبل از میلاد و در پی حمله نهایی بخت نصر به
اورشلیم و محاصره و فتح این شهر - بین سالهای ۵۸۸ تا ۵۶۶ هـ. ق -، سپاهیان به قتل و
غارت شهر پرداختند و تمام نشانه‌ها و علائم دین یهود را از بین بردند. در این پیشامد ناگوار
مسجد الاقصی را به تلی از خاک تبدیل و تورات و تابوت مقدسی که تورات در آن جای
داشت، ناپدید شد. سالیانی به همین منوال گذشت تا آن که در سال ۵۳۸ ق. م کوروش،
پس از پیروزی بر بابلیان، یهودیان را از بابل به سرزمینشان باز گردانید و فرمان بازسازی معبد
را صادر کرد. اما این بازسازی عملاً از زمان داریوش آغاز شد و پنج سال ادامه یافت. پس از
آن، عزرای کاهن به جمع‌آوری عهد عتیق همت گماشت و احکام تحریف شده را اصلاح
کرد. تأثیر عزرای کاهن در احیای تورات و احکام دین یهود به اندازه‌ای است که یهودیان او
را پس از موسی بسیار می‌ستایند. چندین سال بعد، در زمان حکومت انیتوکس پادشاه روم
- ۱۶۱ ق. م - نیز بار دیگر اورشلیم مورد حمله واقع شد و هر کس را که نزد وی نسخه‌ای از
تورات بود می‌کشند و آنچه را یافته بودند به آتش می‌کشیدند. ۵۷ هر چند جریان ناپدید شدن

نسخه تورات و پیدایش مجدد آن به شکل دیگری نیز مطرح شده است .

نتیجه گیری

اگر چه از مجموع آیاتی که در اثبات تحریف تورات و انجیل مورد استناد قرار گرفته - البقرة/ ۷۵ و ۷۹؛ آل عمران/ ۷۸؛ النساء/ ۴۶؛ المائدة/ ۱۳ و ۴۱-، استفاده می شود که در آیات مذکور عمل تحریف به یهود نسبت داده شده که آن هم فقط به تورات مربوط می شود نه انجیل، اما از آنجا که خداوند در آیات دیگری به وجود اوصاف پیامبر (ص) در تورات و انجیل اشاره کرده است (الأعراف/ ۱۵۷)، این پرسش مطرح بوده است که آیا در تورات و انجیل فعلی این بشارات به نحو واضح وجود دارد؟ و در صورت عدم وجود چنین بشاراتی فرض بسیاری بر این قرار گرفته است که تورات و انجیل فعلی مورد تحریف قرار گرفته است . علاوه بر آن، قرآن کریم به صراحت از تحریف تورات و انجیل سخن نگفته است . هیچ یک از این آیات به طور مطلق نمی گویند که در تورات و انجیل تحریف لفظی و معنوی واقع شده باشد، اما این آیات، تحریف را نیز نفی نمی کنند . و به طور قطع همان گونه که در تفاسیر آمده است، یهودیان به تحریف معنوی در کتاب مقدس خود اقدام نموده اند، یعنی عباراتی را که در کتاب آسمانی آنها بود، بر خلاف معنی واقعی آن تفسیر می کردند . الفاظ را به صورت اصلی شان حفظ می نمودند و معانی آن را دگرگون می ساختند . وقوع تحریف معنوی بر خلاف تحریف لفظی از نقایص کتاب مقدس به شمار نمی آید، همان گونه که در قرآن نیز تحریف معنوی صورت گرفته است . تعدادی از مفسران و علمای اسلام علاوه بر تحریف معنوی در تورات با ذکر شواهد و دلایل متعددی ادعا کرده اند که تحریف لفظی نیز در آن واقع شده است .^{۵۸}

- ۱ . معجم مفردات ألفاظ القرآن/ ۱۱۳؛ مقایس اللغة، ۲/ ۴۲ . - ۱۸- ۱۹ .
- ۲ . مقایس اللغة، ۲/ ۴۳ .
- ۳ . العین، ۳/ ۲۱۱ .
- ۴ . معجم مفردات ألفاظ القرآن/ ۱۱۳ .
- ۵ . البیان/ ۲۱۵ . و از جمله شواهد آن عبارت است از : ۱ . هشدار مکرر پیامبر اکرم (ص) درباره خطر تفسیر به رأی . ۲ . وجود شمار فراوانی مدعی تفسیر که قرآن را بر اساس خواسته های نفسانی خود تفسیر می کردند . ۳ . اختلاف مسلمانان به هفتاد و سه فرقه که بیشتر آنان بنیاد عقاید خود را برخاسته از آیات قرآن می دانند . ر . ک . نزهت قرآن از تحریف - جوادی آملی

١٥. الكشاف، ١/٣٤٤.
١٦. الميزان، ١٠١/١٣.
١٧. البيان، ٢٠٩.
١٨. صيانة القرآن من التحريف/٤٣-٤٨.
١٩. تحريف ناپذیری قرآن- نجارزادگان- ٢٤/٢٥.
٢٠. الميزان، ١٠١/١٢.
٢١. التبيان، ٣٢٠/٦؛ مجمع البيان، ٥٠٩/٦؛ تفسير الصافي، ١٠٢/٣؛ تفسير لاهيجي، ٦٥٨/٢؛ تفسير القرآن الكريم، ٥/١٩.
٢٢. الميزان، ٥٧/٢٠.
٢٣. نزاهت قرآن از تحريف/٦٩.
٢٤. بحار الأنوار، ١٠٨/٢٣/ح/١٠.
٢٥. الميزان، ١٠٧/١٢.
٢٦. الكافي، ٨/٥٣/ح/١٦.
٢٧. صيانة القرآن من التحريف/٥٣.
٢٨. تحريف ناپذیری قرآن/٢٩.
٢٩. نهج البلاغة/خ/١٨١؛ الكافي، ٦٠٠/٢؛ تفسير العياشي، ١٨/٢٠-٢٠.
٣٠. تفسير العياشي، ١٩/١؛ بحار الأنوار، ١٤٤/١-١٤٥؛ البرهان في علوم القرآن، ٢٩/١.
٣١. قرآن شناسی/٢١٥.
٣٢. الميزان، ١٣٦/١٢.
٣٣. آلاء الرحمن، ١٨/١؛ البيان، ١٢٣/١٤٩؛ البرهان في علوم القرآن، ٢/٢٥٢-٢٥٣؛ الاتقان في علوم القرآن، ١-٢/٢٦٦-٢٦٦.
٣٤. البيان/٢٧؛ تحريف ناپذیری قرآن/٣٤؛ نزاهت قرآن از تحريف/٣١٥.
٣٥. التحقيق في نفي التحريف عن القرآن الشريف/٣٦-٢٩ و ٢٠٧-٢٢٠؛ صيانة القرآن من التحريف/٥٩-١٠٧.
٣٦. فصل الخطاب في تحريف الكتاب/٩٧.
٣٧. آلاء الرحمن، ١/٢٥-٢٧؛ البيان، ٢٢٢-٢٢٣؛ الميزان، ١٦/١٢؛ القرآن الكريم و روايات المدرسين، ٣/٨٤٧؛ صيانة القرآن من التحريف/٢٣٩؛ نزاهت قرآن از تحريف/١٤٢.
٣٨. الحديد، ٥٧/٢٧؛ المائدة، ٥/٤٦.
٣٩. آل عمران، ٣/٤٨ و ٦٥؛ المائدة، ٥/٦٦ و ١١١، الاعراف، ٧/١٥٧، التوبة، ٩/١١١.
٤٠. آل عمران، ٣/٣؛ التوبة، ٩/١١١. ر. ك. انجيل بادو قرائت، پژوهشهای فلسفی- کلامی، ش ٤، تابستان ١٣٨٤.
٤١. المائدة، ٥/٤٧ و ٦٨ و ٦٨.
٤٢. هفت آسمان، ش ١/ بهار ١٣٧٨، مصنف واقعی اسفار پنجگانه.
43. ELOHIST
44. IAHWIST
45. PRISTLY
46. DEUTERONOMY
٤٧. توماس ميشل/٣٢.
٤٨. همان.
- 49.p. Branda E. Brasher.193
٥٠. و. م. ميلر / ٧٠.
٥١. دوم تيمو تاؤوس، ٣/١٦.
٥٢. توماس ميشل / ٥١.
٥٣. تنبيه، ١٩/٢١.
٥٤. الميزان، ٥/٣٧١؛ ذيل آيه ٤٣ المائدة.
٥٥. البقرة، ٢/٧٥؛ المائدة، ٥/١٣ و ٤١؛ النساء، ٤/٤٦.
٥٦. ويل دورانت، ١/٣٨٢.
٥٧. الرحلة المدرسية- بلاغی- /١٢٤؛ الميزان، ٩/٢٤٣؛ ذيل آيه ٣٠ التوبة؛ قاموس كتاب مقدس/ذيل لفظ كورش / نيوكند نصر و عزرا.
٥٨. ر. ك. المميزان، ١/٢٦٦ و ٥٨/٣ و ٢١٣ و ٥٧٩/٤ و ٥٧٩/٥ و ٢٤١/٥ و ٣٢٨-٣٤٠؛ تفسير الكاشف، ١/١٣٢ و ٩٤/٢ و ٣٣٩؛ آلاء الرحمن، ١/١٠٣ و ١٣٥/٢؛ من وحى القرآن، ٢/٩٧ و ١٢١/٦ و ٢٨٧/٧ و ١٧٤/٨؛ الفرقان في تفسير القرآن، ٢/٣٦ و ٢٠٨/٥ و ٩٧/٧ و ٢٤٩/٨؛ تفسير نمونه، ١/٣١٧ و ٢/٦٢٩ و ٣/٤٠٤ و ٤/٥١٥-٥١٦؛ مجمع البيان، ١/٢٧٨؛ جامع البيان، ١/٥٣٥؛ المنار، ١/٣٦١؛ اسباب النزول، ١/١٩ و ٢٠ و ١٠٣؛ و از ديگر آثار مهم در اين رابطه مى توان «الهدى إلى دين المصطفى» و «اظهار الحق» شيخ رحمة الله هندی و «توراة اليهود» و «الفصل في الملل والأهواء والنحل» ابن حزم را نام برد.